



## دو نگاه رایج در مورد گزاره‌های اخلاقی و فقهی قرآن

دانشیار دانشگاه امام صادق(ع) گفت: در میان اندیشمندان اسلامی دو نگاه رایج در مورد گزاره‌های اخلاقی و فقهی قرآن وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان اسلامی به بهانه دفاع از فقه از اخلاق روی برگردانده‌اند.

دانشیار دانشگاه امام صادق(ع) گفت: در میان اندیشمندان اسلامی دو نگاه رایج در مورد گزاره‌های اخلاقی و فقهی قرآن وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان اسلامی به بهانه دفاع از فقه از اخلاق روی برگردانده‌اند. گروه مقابل و مخصوصاً نواندیشان دینی در راستای دفاع از اخلاق آنقدر از مباحث فقهی دور شده‌اند که گاه دین فقه مدار را مایه کج فهمی دانسته‌اند.

به گزارش خبرنگار ایکننا، نشست «عدم تمایز گزاره‌های اخلاقی و فقهی قرآن؛ از حیث ساختار، مبانی، هدف و الزام» امروز دوشنبه ۲۹ خرداد از سوی انجمن علمی معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

صدیقه مهدوی کنی، دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)، در این نشست سخنرانی کرد که در ادامه می‌خوانید.

آیا وقتی آیات قرآن بر پیامبر(ص) نازل می‌شد تفکیکی میان گزاره‌های اخلاقی و فقهی وجود داشت؟ به نظر می‌رسد اینگونه نبوده و حتی در چنین آیات وقتی یک بحث اخلاقی مطرح شده در همان جا یک بحث فقهی هم مطرح شده است. مثلاً در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِنَّمَّ وَ لَا تَجَسَّسُوْا وَ لَا یَغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضًا اِنَّ یُحِبُّ اَحَدَکُمْ اَنْ یَّکُلَ لَحْمَ اَخِیْهِ مِیْتًا فَکَرِهْتُمُوْهُ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِیْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان‌های بد درباره دیگران - که بسیار هم هست - بپرهیزید و به آنها ترتیب اثر ندهید، چرا که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و درصدد کشف عیوب مردم برنیایید، و یکدیگر را غیبت نکنید که غیبت مؤمن بسان این است که کسی گوشت مرده برادر خود را بخورد؛ آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟ شما قطعاً از این کار کراهت دارید؛ پس غیبت را نیز ناخوشایند بدانید و از خدا بترسید و به درگاه او از این گناهان توبه کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.» در اینجا از حرمت غیبت به عنوان یک حکم فقهی صحبت شده، اما یک گزاره اخلاقی هم هست. اولین تفکیک فقه و اخلاق

به مرور زمان اندیشمندان اسلامی در ابواب مختلفی در مورد آن صحبت کرده‌اند و مثلاً کتب اخلاقی را از کتب فقهی جدا کرده‌اند، در حالی که قرآن اینها را به شکل جداگانه در اختیار ما قرار نداده است. اولین تفکیک در کتب روایی صورت گرفته و آیات اخلاقی به شکل جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در میان اندیشمندان اسلامی دو نگاه رایج در مورد گزاره‌های اخلاقی و فقهی قرآن وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان اسلامی به بهانه دفاع از فقه، از اخلاق روی برگردانده‌اند و جایی برای اخلاق باز نکرده‌اند. گروه مقابل و مخصوصاً نواندیشان دینی در راستای دفاع از اخلاق، آن قدر از مباحث فقهی دور شده‌اند که گاه دین فقه مدار را مایه کج فهمی دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه نادرست باشد و اگر قرار باشد فهم درستی از گزاره‌های فقهی قرآن صورت گیرد در مقام استنباط، بدون توجه به مباحث اخلاقی به بی‌راهه می‌رویم. اساساً اکتفا کردن به فقه بدون توجه به اخلاق یا برعکس، خلاف چیزی است که از قرآن به دست ما رسیده است. لذا اگر بتوانیم ثابت کنیم که قرآن در مقام ثبوت، حقیقت واحدی داشته که در مقام نزول بر ما نازل شده است، در مقام اجرا و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی هم باید این ارتباط حفظ شود و در یک سبک و سیاق واحد مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب در مقام نظام‌سازی، قانونگذاری، قضاوت و حتی در مرحله آموزش نمی‌توانیم اقدام به تفکیک کنیم، چون به معنای فدا کردن یکی برای دیگری است و نمی‌توانیم جامعه‌ای اخلاق مدار یا فقهی اخلاق مدار ارائه دهیم. لزوم وضع قوانین بر اساس ارزش‌های اخلاقی

اگر بتوانیم این ارتباط را ثابت کنیم، نباید قانونی وضع شود و قاضی حکمی را بدون توجه به مسائل اخلاقی صادر کند. اگر این نگاه حاکم شود و با این رویه به آیات قرآن توجه شود، در عین حفظ مباحث اعتقادی و هستی‌شناختی دین، جامعه‌ای اخلاق مدار خواهیم داشت. اگر به نظام معرفتی قرآن نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که از خرده‌نظام‌هایی صحبت می‌کند که برای هدفی خاص تبیین شده‌اند و با هم سازگاری دارند. مثال واضح بدن انسان است که اگر آن را سیستمی متشکل از دستگاه گوارش، اعصاب، گردش خون و... در نظر بگیریم هر کدام خرده‌نظام‌هایی دارند، اما همگی در راستای یک هدف مشترک یعنی سلامت انسان تعبیه شده‌اند و اگر ایرادی در یکی از آنها ایجاد شود، برای همه بدن انسان مشکل ایجاد می‌شود.

اگر نظام معرفتی اسلام را متشکل از خرده‌نظام‌های مرتبط در نظر بگیریم، همگی باید هدفی مشترک داشته باشند و وقتی

چنین هدفی را ترسیم کنیم، نمی توانیم آنها را از هم تفکیک کنیم. شبهاتی که در برخی مسائل همانند حوزه زنان مطرح می شود به این علت است که آنها را منفک از مسائل دیگر در نظر می گیرند، در حالی که وقتی امکان پاسخگویی به این شبهات وجود دارد که آن را درون یک نظام در نظر بگیریم. نظام معرفتی اسلام خرده نظام هایی همانند نظام تکوین و نظام ارزشی دارد. وقتی از نظام تکوین حرف می زنیم، در واقع از هست ها سخن می گوئیم. در نظام ارزشی بعد از توصیف نظام هستی، شروع به ارزشگذاری می کنیم و می گوئیم فلان چیز خوب یا بد است. شارع مقدس بر اساس آنچه آفریده، ارزشگذاری کرده و بهترین کسی که می تواند قانونگذاری کند کسی است که آن را آفریده است.

برجسته بودن شکل توصیه ای زبان قرآن

برای اثبات اینکه قرآن قبل از نزول در مرحله ثبوت چگونه بود به آیه ۴ سوره زخرف اشاره می کنم که خداوند فرموده است: «وَإِنَّ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَلِيلًا لَعَلَّيْ حَكِيمٌ؛ و همانا این کتاب نزد ما در لوح محفوظ که اصل مخزن کتب آسمانی است بسی بلند پایه و محکم اساس است.» در آیه ۱ سوره هود هم آمده است: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ؛ این قرآن کتابی است دارای آیاتی محکم که از جانب خدایی حکیم و آگاه به تفصیل و بسیار روشن بیان گردیده است.» در حقیقت در این آیات از کثرت قرآن در عین وحدت و وحدت در عین کثرت اشاره شده است. علامه طباطبایی در جلد دهم کتاب المیزان نیز به این بحث ذیل این آیات اشاره کرده و فرموده است که در آیات تشبیه وجود ندارد، بلکه یک جا بوده و بعد از نزول به شکل جزء درآمده است. البته در مقام نزول یکپارچگی وجود دارد و احکام مختلف قرآن با هم مرتبط هستند.

موضوع گزاره های اخلاقی با موضوع گزاره های فقهی، رفتارهای مکلفین و حتی مجقین است. درباره محمولات هم باید گفت که اگر محمول گزاره های اخلاقی و فقهی را مقایسه کنیم، متوجه می شویم که مثلاً گفته شده صلح خوب است. آیا این صرفاً یک ارزشگذاری است یا پشت این عبارت مقدمه دیگری هم وجود دارد؟ آیاتی که ظاهراً جنبه ارزشی دارند در مقام بیان حکم هم هستند و فقط نحوه بیان آنها متفاوت است. در واقع بسیاری از گزاره های اخلاقی قرآن به سبب اینکه اثر بیشتری داشته باشند در قالب توصیه بیان شده اند. زبان قرآن زبان هدایتگری است که به دو شکل قابل ارائه است که یک شکل آن توصیه ای و دیگری امری محسوب می شود. در قرآن شکل توصیه ای بیشتر است، چون اثرات بیشتری دارد.